

ارزیابی نیازهای آموزشی بازار کار نسبت به فارغ التحصیلان رشته های

دایر در آموزش فنی و حرفه ای استان قم

احمد عطارنیا^۱، حمیده عباسی^۲، رقیه علیمحمدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

چکیده

هدف از این مطالعه ارزیابی نیازهای آموزشی بازار کار نسبت به فارغ التحصیلان رشته های دایر در آموزش فنی و حرفه ای استان قم بوده است. روش: این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش تلفیقی از روش های کیفی و کمی بوده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه کارشناسان و معاونین سازمان فنی و حرفه ای قم بوده اند که حجم آن ۳۰ نفر تعیین شده است. جهت تعیین حجم نمونه بر اساس جدول مورگان تعداد ۲۸ نفر به عنوان نمونه با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شده اند. به منظور ارزیابی روایی پرسشنامه توسط روایی ظاهری، محتوا (روش لاوشه) سنجش گردیده است. جهت تعیین پایایی سوالات پرسشنامه به صورت جداگانه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. پژوهش حاضر در سه مرحله انجام شده است: در مرحله اول از روش کیفی از نوع تحلیل محتوا. در مرحله دوم از تکنیک دلفی استفاده شده است. در مرحله سوم با استفاده از تکنیک تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی (AHP) موانع شناسایی شده مورد اولویت بندی قرار گیرند. تجزیه و تحلیل داده ها: در این پژوهش جهت محاسبه میانگین و انحراف معیار از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ انجام شده است و از نرم افزار اکسل برای رتبه بندی عوامل استفاده گردیده است. یافته ها: نشان داده است که رتبه بندی نیازهای آموزشی بازار کار نسبت به فارغ التحصیلان رشته های دایر در آموزش فنی و حرفه ای استان قم به ترتیب: هم راستایی آموزش ها، معیارهای ویژگی های زمینه ای، راهبردها و معیار شرایط محیطی بوده است.

کلید واژه ها: آموزش فنی و حرفه ای، نیازهای آموزشی بازار کار

^۱ استادیار، گروه مدیریت، موسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران

^۲ مدرس. گروه مدیریت، موسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران

^۳ گروه مدیریت، موسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران

ایمیل نویسنده: abbasi.59093@gmail.com

مقدمه

آموزش، به ویژه آموزش های فنی و حرفه ای، وسیله ای در خدمت به نیازهای توسعه ای جامعه است (شاکری و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۰). اهمیت آموزش حرفه ای چنان است که یکی از پیش نیازها و پیش شرط های لازم برای رشد اقتصادی کشورها در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم شمرده شده است (غفاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷۱). آموزش در کشورهایی که در آستانه گذار از اقتصاد سنتی به اقتصاد دانش محور قرار دارد، مؤثرترین ابزار برای ورود به چالش های آینده به شمار می آید. در واقع، یکی از وظایف اصلی نظام آموزشی کشورها توجه به آماده سازی جوانان برای بازار کار می باشد (فورستر و بول، ۲۰۱۸). توسعه آموزش های فنی و حرفه ای از دیدگاه رشد کمی پاسخی مناسب از جانب برنامه ریزان توسعه اقتصادی- اجتماعی کشورها به تقاضای اشتغال در اجتماع محسوب می گردد، و هنگامی این کمیت موفقیت آمیز خواهد بود که مورد ارزیابی کیفی به لحاظ بیرونی نیز قرار گیرد. امروزه آموزش فنی و حرفه ای به عنوان یک راه حل کارآمد برای کاهش بیکاری جوانان مورد توجه سیاست گذاران قرار گرفته است (بلونیا و همکاران، ۲۰۱۵). نتایج پژوهش چو و همکاران (۲۰۱۹) نشان می دهد که فارغ التحصیلان رشته های حرفه ای احتمالاً دارای مزایای مهارت سوادآموزی، مزایای کار کوتاه مدت و مزایای طولانی مدت اشتغال هستند. باید خاطر نشان کرد که در فرایند جهانی شدن و پیوستن به منظومه تجارت جهانی، آموزش های فنی و حرفه ای پیشرفت داشته است، اما این آموزش ها با چالش های بی شماری نیز مواجه هستند. حضور در عرصه علمی بین المللی و حتی باقی ماندن در چرخه علمی کشور مستلزم رقابت است (همتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۷). آموزش حرفه ای در کشور ما از ابتدا تاکنون مسیرهای متعددی را پیموده است و در طی سال ها در شیوه ها و چگونگی آموزش های فنی و حرفه ای تغییراتی مشاهده شده است (اصغرنژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۲). سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور به موجب ماده واحده مصوب مورخ ۱۳۵۹/۴/۱۵ شورای انقلاب اسلامی ایران از ادغام اداره کل آموزش فنی و حرفه ای وزارت کشور و امور اجتماعی، مراکز تعلیمات حرفه ای، صندوق کارآموزی، کانون های کارآموزی وزارت بهداشت و بهزیستی تشکیل گردیده است، این سازمان بر اساس وظایف محوله، تربیت نیروی انسانی ماهر برای رفع نیاز بازار کار و با راه اندازی واحد های تولیدی و خدماتی را عهده دار می باشد و حرفه آموزان مراکز آموزشی با دریافت گواهینامه مهارت فارغ التحصیل می شوند. آموزش های فنی و حرفه ای و پژوهش های مرتبط با آن در حال حاضر یکی از محور های اساسی در پیشرفت همه جانبه در کشور های در حال توسعه بوده است و نقش مهمی در تشکیل نیروی انسانی از طریق تربیت نیروی ماهر مورد نیاز بازار کار ایفا می کند (خنیفر، بهمنیار و مسلمی، ۱۳۹۰: ۷۵). برنامه ریزی برای استخدام جوانان و نیز مسیرهای شغلی آنان یکی از مسائلی است که امروزه باید به دقت مورد بررسی قرار گیرند. در وضعیت فعلی، با افزایش جوانان جویای کار، نرخ بیکاری در حال افزایش است و در بلندمدت، جوانان دیگر احساس امنیت شغلی نمی کنند. به لحاظ اقتصادی نیز این وضعیت واقعه ناگواری است، ضمن اینکه هزینه اتلاف منابع انسانی نیز بسیار زیاد می باشد. ما هم اکنون در دوران تحول کاری قرار گرفته ایم، مشاغل در حال رشد هستند و پویایی سازمان ها روز به روز در حال افزایش است. بدین ترتیب انتخاب شغل سخت تر و سخت تر می شود. در این شرایط، یافتن شغل دائم برای جوانان بسیار دشوار است. جوانان باید آموزش هایی ببینند که مهارت های آنان تقویت شود و برای مشاغل گوناگون آمادگی پیدا کنند. به همین دلیل به مهارت های خاص کسب و کار، کارآفرینی، نوآوری و تغییر نگرش در مورد ساختارهای کاری نیازمندند. آموزش برای کار به پذیرش، توسعه و تدوین اصول فلسفی نیاز دارد تا بتواند آن را هدایت یا خلق کند و در شرایط کار تغییر به وجود آورد. فلذا کارگزاران آموزش برای کار باید برای تأمین نیازها و شرایط کاری امروز و آینده، فلسفه هایی را پایه ریزی کنند که هم نیازهای فنی و حرفه ای و هم رشد فردی را مدنظر داشته باشند. با توجه به موارد پیش گفته شده سوال های پژوهش به شرح زیر می باشد:

- نیازهای آموزشی بازار کار نسبت به فارغ التحصیلان رشته های دایر در آموزش فنی و حرفه ای کاردانش استان قم کدامند؟
- اولویت بندی نیازهای بازار کار نسبت به فارغ التحصیلان رشته های دایر در آموزش فنی و حرفه ای کاردانش استان قم چگونه است؟

چهار چوب نظری پژوهش

آموزش های فنی و حرفه ای

امروزه در جریان فکری، تعلیمی و آموزشی ملل جهان تغییرات فراوانی شکل گرفته است. در آموزش های کنونی، تأکید بر پرورش مهارت های گوناگون در دانش آموزان و آماده سازی آنان برای زندگی اجتماعی، یکی از بنیادی ترین جریان های فکری است (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۰). یکی از جنبه های مثبت آموزش های فنی و حرفه ای و دوره های کارآموزی، تحرک اجتماعی و کاهش بیکاری جوانان است (اندرسون^۴، ۲۰۱۸). در ایران پس از تهیه «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش» به دلیل اهمیت آموزش متوسطه و با توجه به حساسیت آن از نظر هدایت تحصیلی و شغلی، این مقطع آموزشی مورد توجه قرار گرفت، با تهیه مقدمات اجرای آزمایشی، از سال تحصیلی ۱۳۷۱ با تحت پوشش قرار گرفتن ده درصد دانش آموزان سال اول دبیرستان، نظام جدید آموزش متوسطه در کشور به اجرا درآمد. با اجرای نظام جدید آموزش متوسطه دگرگونی هایی در روند تربیت حرفه ای کشور پدید آمد. در واقع مهم ترین اصل تربیت حرفه ای در نظام جدید، ارتقاء منزلت این نوع تربیت و رشد کمی و کیفی آن بوده است. به این

⁴ Forster & Bol,

⁵ Blinova

⁶ Cho et al

^۷ Anderson

منظور نظام تربیت حرفه‌ای در دو شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش برنامه‌ریزی و به مورد اجرا گذاشته شد (خنیفر، بهمنیار و مسلمی، ۱۳۹۰: ۷۶). شاخه فنی و حرفه‌ای بخشی از نظام تربیت حرفه‌ای آموزش و پرورش محسوب می‌گردد که در گذشته نیز جریان داشته است. این بخش پس از تغییر نظام آموزش متوسطه با دگرگونی‌هایی در شیوه برنامه‌ریزی و تهیه محتوا، براساس اهداف زیر به فعالیت خود ادامه داده است:

- اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و فضایل اخلاقی، بینش سیاسی و اجتماعی.

- شناخت بهتر استعداد و علاقه دانش آموزان و ایجاد زمینه مناسب جهت هدایت آنان به سمت اشتغال مفید.

- احراز آمادگی نسبی دانش آموزان برای ادامه تحصیل در رشته‌های علمی کاربردی (کاووسی، ۱۳۸۷: ۸۴).

اهداف فوق بیانگر این است که این شاخه از آموزش متوسطه با جهت‌گیری دوگانه، دانش آموزان را برای ورود به بازار کار یا ادامه تحصیل در دوره‌های کاردانی آماده می‌کند. طبق گزارش دفتر ریاست و روابط عمومی سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور (۱۳۹۱) این سازمان به منظور تحقق اهداف آموزشی خود در قالب ستاد و ادارات کل آموزشی در سطح مراکز استان ها با برگزاری دوره های مختلف آموزشی فنی و حرفه ای از طریق مراکز آموزشی متعلق به سازمان و مراکز آموزشی بخش غیردولتی (آموزشگاه های آزاد) برای ایجاد بیش از ۶۰۰ رشته آموزشی توانسته است اقدام به مهارت آموزی به جویندگان کار و شاغلین در بخش های مختلف تولید نموده و به موازات آن با اجرای طرح هایی نظیر طرح آموزش های سیار، آموزش صنعت ساختمان، آموزش در پادگان ها، آموزش در زندان ها و خود باوری فنی به موفقیت چشمگیری نایل آید. تحصیلات و تکنولوژی دو عامل اساسی برای کسب مهارت های کاری است. تحصیلات پیشرفت و ارتقاء دائمی و پیوسته را به همراه اشتیاق ثابت در توانایی های فردی بوجود می آورد. تکنولوژی نظامی است که ارتباطی بین علم و عمل را بوجود می آورد و باعث رسیدن به هدف معین می گردد و این هدف نشأت گرفته از تحصیلات و آموزش مدرن می باشد. آموزش مدرن آموزشی است که اساس و پایه آن عمل باشد. این نوع آموزش باعث می شود دانش آموزان با استفاده از تکنولوژی جدید فعالیت کنند. محصولات این ارتقاء و پیشرفت، نیروی کاری است که بر اساس مهارت و انتظارات تجاری (بازار کار) تربیت گردیده است. اگر آموزگاران با نقص در تجهیزات و یا سطح علمی خود مواجه باشند، موجب نقصان و افت در بحث خدمات و تولیدات تجاری مراکز فنی و حرفه ای می گردند. اگر آموزگاران نتوانند از تکنولوژی های آموزشی به طور مناسب بهره ببرند در نتیجه باعث کاهش نیروی کار ماهر می شود که این موضوع اهمیت زیادی در زمینه توسعه کشور دارد (دهیل و همکاران^۸، ۲۰۱۵). از سویی، در واکنش به تغییرات و نیازهای جدید در بخش های صنعت و تجارت رقابت های بین المللی برای تولید نیروی کار ماهر و شایسته ایجاد حرفه های جدید و به دنبال آن الزامات حرفه ای متفاوت تر و پیچیده تر نیاز به برنامه های آموزشی جدید هم چنین به روز کردن اطلاعات هنرآموزان از مسایل بسیار مهم در آموزش فنی و حرفه ای می باشد. از نظر کارشناسان آموزش های ارائه شده و شیوه اجرا تناسب لازم برای برآورده کردن و انطباق با نیازهای بازار کار را دارا نمی باشد. درصد بالایی از فارغ التحصیلان دارای تخصص در بازار کار وجود دارند و در همان زمان حرفه های رایج زیادی در بازار کار وجود دارد ولی هیچ تطابقی با هم ندارند. این موضوع باعث می شود تعداد زیادی از فارغ التحصیلان به علت رقابت بالا و کم شدن فرصت شغلی قادر به پیدا کردن یک شغل متناسب با تخصص خود نباشند. حرفه ای ترین جوانان می توانند یک کار در تخصص خود را پیدا کنند و بقیه یا باید در مناطق دیگر استخدام شوند و یا به صفوف بیکاران بپیوندند (ناتالیا و همکاران^۹، ۲۰۱۵). یکی از راهبردهای اساسی تغییر در نظام های آموزشی افزایش توانمندی شغلی دانش آموختگان، با توجه به نیازهای جامعه، بازار کار و اشتغال است که با کنترل خروجی های سازمان های آموزشی به سامان می رسد. در دهه گذشته، توجه بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران به کیفیت آموزش نیروی کار با توجه به تقاضا و نیاز بازار کار معطوف شده است. این امر به بهبود و افزایش مشارکت میان بخش صنعت و آموزش و تسهیل انتقال از مدرسه به بازار کار، کمک شایانی کرده است. آموزش فنی حرفه ای پلی است میان آموزش و بازار کار. تقویت ارتباط و مشارکت میان بخش آموزش و دنیای کار، این اطمینان را به بازار کار می دهد که دستیابی به استاندارد عملکرد کارکنان، با افزایش آگاهی ها و مهارت های آنان در طول دوره های فنی حرفه ای امکان پذیر است و یکی از مراحل بسیار موثر و حیاتی مرحله انتقال از آموزش به عمل است که اغلب مورد غفلت قرار گرفته است (باقری، ۱۳۹۳: ۱۱). در اوایل دهه ۱۹۹۰ در کشور غنا، نگرانی هایی جدی درباره کارایی آموزش های فنی و حرفه ای آن کشور مطرح شد. این نگرانی ها را ناشی از عدم تناسب آموزش ها با شرایط اجتماعی و اقتصادی واقعی، در نظر گرفته نشدن نیازهای بخش غیررسمی، در نظر نگرفتن بازار کار و نیز نرخ بیکاری بالای فارغ التحصیلان می داند. نیروی کار تحصیل کرده یکی از پایه های رقابت در اقتصاد جهانی است. آنچه برای کارفرمایان مهم است، ارتباط آموزش ها با مشاغل مورد نیاز آنها است. عدم تطابق بین نیازهای کارفرمایان و آنچه نظام های آموزشی فراهم می کنند، منجر به شکاف مهارتی، اتکای بیش از پیش به نیروی کار خارجی، بیکاری داخلی و اقتصاد غیررقابتی می شود. در شرایطی که آموزش در مؤسسات آموزش فنی و حرفه ای بر یادگیری نظری مبتنی است، آموزش در محیط های کاری بر منطق کار و تمرین واقعی استوار است. کاستن از شکاف بین مؤسسات آموزش فنی و حرفه ای و بخش های صنعت و تجارت مربوطه، آمادگی بهتر دانش آموزان برای مشاغل را تضمین خواهد کرد. این یک باور عمومی است که کارفرمایان باید در آموزش و تربیت نیروی کار بومی آینده نقش اساسی ایفا کنند. عدم ارتباط آموزش های فنی و حرفه ای با نیاز بازار کار و متولیان آموزش و اشتغال، تهدیدی جدی برای کارایی برنامه های آموزشی خواهد بود (برزگر، ۱۳۹۷: ۱۵۴).

قدیریان (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان " بررسی محتوای آموزشی فنی و حرفه ای با امکان سنجی نیاز های بازار کار (مورد مطالعه : هنرستان پسرانه غیر دولتی پسرانه امل)" انجام داده است. نتایج پژوهش حاکی از آن بوده است که بین محتوای آموزشی دروس فنی حرفه ای و نیاز های بازار کار تناسب

⁸.Dahil et al

⁹.Natalia et al

وجود داشته است. مصطفوی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان "بررسی میزان تاثیر آموزش های فنی حرفه ای بر مهارت های جهانی مورد نیاز در قرن ۲۱ از دیدگاه دانش آموزان در شهرستان آمل" انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان داده است که آموزش های فنی حرفه ای بر مهارت های جهانی دانش آموزان تاثیر داشته است. مؤلفه مهارت حل مسئله با میزان بتا ۰/۲۰، مؤلفه مهارت فناوری با میزان بتا ۰/۱۱ به ترتیب بیشترین تا کمترین تاثیر از آموزش های فنی حرفه ای دارا بوده اند و هم چنین آموزش های فنی حرفه ای بر مولفه های مهارت های جهانی (مهارت ارتباطی، مهارت انعطاف پذیری، مهارت کار گروهی، مهارت حل مسئله، مهارت فناوری، مهارت مسئولیت پذیری) دانش آموزان تاثیر داشته است. کوربر و اوسچ^{۱۰} (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان "آموزش حرفه ای در مقابل آموزش عمومی: اشتغال و درآمد در طول دوره زندگی در سوئیس" انجام داده است. در این پژوهش سیر تحول اشتغال و درآمد در طول دوره زندگی دارندگان تحصیلات حرفه ای و عمومی در مقطع متوسطه به بالاتر مقایسه شده است. سوئیس، کشوری با بیشترین سهم جوانان در آموزش حرفه ای است. نتایج پژوهش نشان داده است که چشم انداز اشتغال برای دارندگان تحصیلات عمومی در نیمه دوم مشاغل کارگری همچنان خوب است. با این وجود، تحصیلات حرفه ای با ورود کارگران به سی سالگی با درآمد بسیار کمتری همراه است و این آسیب در زنان بیشتر از مردان است. در حالی که مدارک شغلی از بیکاری محافظت می کنند، اما هزینه آنها منحنی درآمد ثابت در طول زندگی است. چوی و همکاران (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان "تاثیر آموزش حرفه ای و آموزش عمومی در مهارت و اشتغال: یک تحلیل چند سطحی کاربردی" انجام داده اند. نتایج این مطالعه نشان داده است که فارغ التحصیلان رشته های حرفه ای احتمالاً دارای مزایای مهارت سوادآموزی، مزایای کار کوتاه مدت و مزایای طولانی مدت اشتغال در مقایسه با فارغ التحصیلان رشته های عمومی هستند. هم چنین تفاوت های قابل توجهی بین سیستم های حرفه ای مبتنی بر کار و مبتنی بر مدرسه با توجه به سواد و اثرات اشتغال آنها وجود دارد. در مقایسه با فارغ التحصیلان تحصیلات تکمیلی با آموزش عمومی، فارغ التحصیلان دوره های کارآموزی از کشورهای دارای تحصیلات تکمیلی مبتنی بر کار، احتمال بیشتری دارند که مشغول به کار شوند. دسچر و وینسر^{۱۱} (۲۰۱۸) در پژوهش خود با عنوان "حساسیت آموزشی در آموزش های حرفه ای" دریافتند، در دوره آموزش های حرفه ای، عملکرد کارآموزان در آزمون های سنجش توانایی در حرفه مورد آموزش، بهبود یافته است، بنابراین کارآموزان بعد از دوره های آموزشی توانایی کار در حوزه مورد آموزش را کسب می کنند.



شکل ۱. چارچوب نظری مستخرج از ادبیات پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی بوده و از نظر روش، تلفیقی از روش های کیفی و کمی می باشد. پژوهش حاضر در سه مرحله انجام شده است: مرحله اول تحلیل محتوای موضوع پژوهش؛ مرحله دوم تکنیک دلفی؛ مرحله سوم اجرای آزمون. مرحله اول: در این مرحله با رجوع به منابع کتابخانه‌ای، استفاده از موتورهای جستجوگر در پایگاه داده ها، مقالات و پایان نامه ها و مبانی نظری و پیشینه مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش، عوامل مؤثر بر نیازهای بازار کار استان قم نسبت به فارغ التحصیلان شناسایی گردیده است. مرحله دوم: در این مرحله پس از بررسی ادبیات و پیشینه، پائل دلفی تشکیل شده است. معیار اتمام کار پائل دلفی اشیاع نظری بوده است. جهت تشکیل پائل دلفی در این پژوهش، خبرگان دانشگاهی، صاحبان صنایع و مدیران سازمان فنی و حرفه ای با تعداد ۱۵ نفر با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شده اند. معیار انتخاب متخصصان مواردی نظیر داشتن تالیف و تحقیق و تجربه در زمینه آموزش های فنی و حرفه ای، دارا بودن حداقل مدرک کارشناسی ارشد و داشتن حداقل سابقه کاری ۲۰ سال بوده است. ابزار جمع آوری اطلاعات در مرحله دوم تحقیق پرسشنامه بوده است. در ابتدا پرسشنامه محقق ساخته حاصل از مطالعات نظری در ۶ بعد و ۲۲ مؤلفه طراحی و در اختیار خبرگان منتخب قرار گرفته است. در دور اول دلفی پرسش نامه به صورت حضوری بین اعضا توزیع گردید. هم چنین از پاسخ دهندگان خواسته شد تا عواملی را که در بخش اول پرسشنامه موجود نبودند ولی از نظر پاسخ دهندگان مهم و کلیدی به حساب می آمدند را مطرح کنند. پس از یک هفته پیگیری برای دریافت پاسخ ها آغاز گردید. لازم به ذکر است که، گزینه های سوالات در قالب طیف لیکرت (۱= تأثیر بسیار کم، ۲= تأثیر کم، ۳= تأثیر متوسط، ۴= تأثیر زیاد و ۵= تأثیر بسیار زیاد) بوده است. پس از بررسی و جمع بندی نتایج، میانگین و انحراف معیار سوالات در دوره های دلفی محاسبه گردید. در دور نخست دلفی، ۲ مؤلفه به دلیل کسب

¹⁰.Korber & Oesch

¹¹.Deutscher & Winther

میانگین کمتر از ۵/۳ در مقیاس پنج گزینه ای لیکرت از دور نخست خارج شدند و ۶ بعد و ۲۰ مولفه باقی مانده به دور دوم راه یافتند. در دور دوم ۱ بعد و ۲ مولفه حذف گردیدند و ۵ بعد و ۱۸ مولفه باقیمانده به دور سوم راه یافتند. در دور سوم دو مولفه و یک بعد حذف گردیدند و ۱۶ مولفه و ۴ بعد به دور بعد راه یافتند. در دور چهارم هیچ مولفه و بعدی حذف نگردیده است. در نهایت پس از انجام چهار دور روش دلفی ۴ مولفه و ۱۶ شاخص نهایی شناسایی شده اند. در پژوهش حاضر، برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل از ضریب هماهنگی کندال استفاده شده است.

جدول شماره ۱. تفسیر مقادیر گوناگون ضریب کندال

مقدار ضریب کندال	۰/۱	۰/۳	۰/۵	۰/۷	۰/۹
تفسیر میزان اتفاق نظر	بسیار ضعیف	ضعیف	متوسط	قوی	بسیار قوی
اطمینان به ترتیب عوامل	وجود ندارد	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد

نتایج محاسبات ضریب کندال در دور های دلفی در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲. ضریب توافق کندال

مقدار معناداری	درجه آزادی	ضریب کندال	راند اول
۰/۰۰۱	۲۱	۰/۵۳۲	راند اول
۰/۰۰۱	۲۶	۰/۶۸۰	راند دوم
۰/۰۰۱	۲۵	۰/۵۴۷	راند سوم
۰/۰۰۱	۲۷	۰/۶۳۰	راند چهارم

براساس نتایج جدول مقدار ضریب کندال در راند اول تکنیک دلفی ۰/۵۳۲ بدست آمده که نشان می دهد وحدت نظر میان دیدگاه کارشناسان در حد متوسطی است. همچنین مقدار معناداری نیز ۰/۰۰۱ بدست آمده است که نشان می دهد با اطمینان ۹۵٪ می توان به نتایج بدست آمده اتکا کرد. در نتیجه با صرف نظر از شاخص هایی که امتیاز زیر شدت آستانه کسب کرده اند، سایر شاخص ها برای مطالعه در راند دوم مورد استفاده قرار گرفته اند. ضریب کندال در راند دوم تکنیک دلفی ۰/۶۸۰ بدست آمده است که نشان می دهد وحدت نظر میان دیدگاه کارشناسان در حد خوبی بوده است. همچنین مقدار معناداری نیز ۰/۰۰۱ بدست آمده است که نشان می دهد با اطمینان ۹۵٪ می توان به نتایج بدست آمده اتکا نمود. ضریب کندال در راند سوم تکنیک دلفی ۰/۵۴۷ بدست آمده است که نشان داده است وحدت نظر میان دیدگاه کارشناسان در حد خوبی بوده است. بنابراین تکنیک دلفی در راند چهارم متوقف گردید و شاخص های شناسایی شده برای تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش، به منظور ارزیابی میزان هماهنگی محتوای ابزار اندازه گیری از روش کمی ارزیابی روایی محتوایی استفاده شده است. برای بررسی روایی محتوایی به شکل کمی، از دو ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI)، استفاده می شود. جدول شماره (۳) جدول تصمیم گیری در مورد CVR را نشان می دهد.

جدول شماره ۳. جدول تصمیم گیری در مورد CVR

تعداد افراد پانل متخصصان	حداقل مقدار روایی
۱۰	۰/۶۲
۱۵	۰/۴۹
۲۰	۰/۴۲
۲۵	۰/۳۷
۳۰	۰/۳۳
۴۰	۰/۲۹

تعداد متخصصان شرکت کننده در پژوهش حاضر ۱۵ نفر مرکب از متخصصان دانشگاهی و سازمانی بوده است. در این پژوهش نظرمتخصصان درباره تک تک سؤالات پرسیده شده و CVR کل ۰/۵۱ بدست آمده است. با توجه به این که مقدار CVR بزرگتر از مقدار روایی ذکر شده در جدول فوق بوده است، لذا اعتبار روایی ابزار گردآوری اطلاعات تأیید گردیده است. به منظور بررسی روایی محتوایی مقیاس سؤالات پرسشنامه CVI تمامی سؤالات محاسبه گردیده است. مقدار میانگین سی وی ای که به عنوان شاخصی برای تأیید یا عدم تأیید روایی محتوایی مقیاس است، ۰/۸۱ به دست آمده است که بنابراین روایی محتوایی مقیاس مورد تأیید بوده است. در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار آلفای کرونباخ در این پژوهش معادل ۰/۸۷۱ بدست آمده است. با توجه به اینکه این مقدار از ۰/۷ بیشتر بوده است بنابراین پرسشنامه از پایایی قابل قبول برخوردار بوده است.

مرحله سوم: در این مرحله کلیه کارشناسان و معاونین سازمان فنی و حرفه ای قم، جامعه آماری بوده اند که با توجه به آمار اخذ شده از سازمان های ذی ربط نظیر پارک علم و فناوری و استانداری حجم آن تعیین شده است. جهت تعیین حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شده است. بر اساس جدول مورگان تعداد ۲۸ نفر به عنوان نمونه با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شده اند. همان طور که در مرحله دوم پژوهش بیان گردید، ابتدا کلیه نیازهای بازار کار گروه بندی شدند آنگاه با استفاده از یافته های این مرحله پرسشنامه طراحی گردید، سپس برای رتبه بندی ابعاد، مولفه ها و گویه ها ابزار پرسشنامه بصورت مقایسات زوجی طراحی گردید تا با استفاده از تکنیک تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی (AHP) موانع شناسایی شده مورد اولویت بندی قرار گیرند. در این مرحله به علت استفاده از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی برای تحلیل داده ها، لازم است نرخ ناسازگاری به دست آمده از این تکنیک به عنوان مبنای کار، جهت صحت پایایی پرسشنامه قرار گیرد. اگر نرخ به دست آمده پایین تر از ۰/۱ باشد، پایایی پرسشنامه مورد پذیرش قرار می گیرد. با توجه به نرخ ناسازگاری بدست آمده پایایی پرسشنامه اثبات گردیده است. در این پژوهش، تجزیه و تحلیل داده ها جهت محاسبه میانگین و انحراف معیار از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ انجام شده است و از نرم افزار اکسل برای رتبه بندی عوامل استفاده گردیده است.

یافته های پژوهش

در این پژوهش، عوامل اصلی براساس ادبیات پژوهش و نظرات تخصصی خبرگان شناسایی شده است بنابراین در این بخش به رتبه بندی این عوامل پرداخته شده است. با توجه به اینکه میان معیارها و زیرمعیارها ساختاری سلسله مراتبی وجود دارد از تکنیک فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) برای رتبه بندی مولفه های نیازهای آموزشی بازار کار استان قم نسبت به فارغ التحصیلان رشته های دایر در آموزش فنی و حرفه ای استفاده شده است. در ابتدا جهت توصیف ویژگی های عمومی پاسخ دهندگان از شاخص های آمار توصیفی استفاده شده است. از لحاظ توصیف مشخصات جمعیت شناختی پاسخ دهندگان بر اساس توزیع فراوانی، بیشترین پاسخ دهندگان با جنسیت مرد (۷۰.۳۷٪)، متاهل (۸۵.۱۹٪) دارای سطح تحصیلات کارشناسی ارشد (۵۱.۸۵٪) و بازه سنی کمتر از ۴۰ سال (۴۴.۴۴٪) بوده اند. مهمترین مولفه های نیازهای بازار کار نسبت به فارغ التحصیلان رشته های دایر در آموزش فنی و حرفه ای استان قم عبارتند از: هم راستایی آموزش ها، راهبردها، ویژگی های زمینه ای، شرایط محیطی. برای هر یک از این معیارهای تعدادی زیرمعیار شناسایی شده است. در مجموع ۴ معیار اصلی و ۱۶ زیرمعیار به عنوان مولفه های نیازهای بازار کار استان قم نسبت به فارغ التحصیلان رشته های دایر در آموزش فنی و حرفه ای مورد بررسی قرار گرفته است. معیارها و زیرمعیارهای پژوهش در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول شماره ۴. معیارهای اصلی و زیر معیارها

معیار اصلی	زیر معیار	نماد
C1	هم راستایی آموزش ها	S11
		S12
		S13
		S14
C2	راهبردها	S21
		S22
		S23
		S24
C3	ویژگی های زمینه ای	S31
		S32
		S33
		S34
C4	شرایط محیطی	S41
		S42
		S43
		S44

تعیین اولویت عناصر مدل با استفاده از تکنیک AHP

با استفاده از تکنیک میانگین هندسی دیدگاه خبرگان جمع شده است و برای محاسبه وزن نهایی معیارها استفاده گردیده است. در جدول شماره ۵ ماتریس مقایسه زوجی حاصل از جمع دیدگاه خبرگان ارائه شده است.

جدول شماره ۵. تعیین اولویت معیارهای اصلی

ردیف	C1	C2	C3	C4	میانگین هندسی	بردار ویژه (W1)
C1	۱	۲.۳۲۸	۱.۳۹۹	۰.۷۹۴	۱.۲۶۸	۰.۳۰۹
C2	۰.۴۳۰	۱	۲.۱۸۶	۱.۰۲۴	۰.۹۹۰	۰.۲۴۱
C3	۰.۷۱۵	۰.۴۵۷	۱	۵.۷۸۲	۱.۱۷۳	۰.۲۸۵
C4	۱.۲۶۰	۰.۹۷۶	۰.۱۷۳	۱	۰.۶۷۹	۰.۱۶۵

براساس بردار ویژه بدست آمده، معیار هم راستایی آموزش ها با وزن نرمال ۰/۳۰۹ از بیشترین اولویت برخوردار بوده است. معیار ویژگی های زمینه ای با وزن نرمال ۰/۲۸۵ در اولویت دوم قرار گرفته است. معیار راهبردها با وزن نرمال ۰/۲۴۱ در اولویت سوم قرار گرفته است و معیار شرایط محیطی با وزن نرمال ۰/۱۶۵ در اولویت چهارم قرار گرفته است.



شکل ۲. نمایش گرافیکی اولویت معیارهای اصلی

نرخ ناسازگاری مقایسه‌های انجام شده ۰/۰۳۴ بدست آمده است که کوچک تر از ۰/۱ می‌باشد و بنابراین می‌توان به مقایسه‌های انجام شده اعتماد کرد. مقایسه و تعیین اولویت زیرمعیارها

محاسبات انجام شده برای تعیین اولویت زیرمعیارهای هم راستایی آموزش ها در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

جدول شماره ۶. تعیین اولویت زیرمعیارهای هم راستایی آموزش ها

ردیف	S11	S12	S13	S14	میانگین هندسی	بردار ویژه
S11	۱	۱.۱۵۲	۰.۱۶۱	۱.۵۵۰	۰.۷۳۲	۰.۱۶۹
S12	۰.۸۶۸	۱	۴.۴۶۸	۰.۷۱۲	۱.۲۸۹	۰.۲۹۸
S13	۶.۲۲۶	۰.۲۲۴	۱	۵.۶۹۴	۱.۶۷۸	۰.۳۸۸
S14	۰.۶۴۵	۱.۴۰۴	۰.۱۷۶	۱	۰.۶۳۲	۰.۱۴۶

براساس بردار ویژه بدست آمده بیشترین اولویت مربوط به توسعه متوازن آموزش های فنی و حرفه ای با وزن ۰/۳۸۸ بوده است. نرخ ناسازگاری مقایسه‌های انجام شده ۰/۰۴۲ بدست آمده است که کوچکتر از ۰/۱ بوده است و بنابراین می‌توان به مقایسه‌های انجام شده اعتماد کرد. محاسبات انجام شده برای تعیین اولویت زیرمعیارهای راهبردها در جدول شماره ۷. شماره ۷ ارائه شده است.

جدول شماره ۷. تعیین اولویت زیرمعیارهای راهبردها

ردیف	S21	S22	S23	S24	میانگین هندسی	بردار ویژه
S21	۱	۱.۹۸۳	۰.۳۱۷	۰.۲۹۴	۰.۶۵۵	۰.۱۵۷
S22	۰.۵۰۴	۱	۰.۵۹۹	۲.۲۹۳	۰.۹۱۲	۰.۲۱۸
S23	۳.۱۵۹	۱.۶۷۰	۱	۰.۹۴۲	۱.۴۹۳	۰.۳۵۷
S24	۳.۴۰۴	۰.۴۳۶	۱.۰۶۱	۱	۱.۱۲۰	۰.۲۶۸

براساس بردار ویژه بدست آمده زیرمعیار آشنایی کارآموزان با بازار کار با وزن ۰/۳۵۷ از اولویت بیشتری نسبت به سایر زیرمعیارها برخوردار بوده است. نرخ ناسازگاری مقایسه‌های انجام شده ۰/۰۲۸ بدست آمده است که کوچک تر از ۰/۱ می‌باشد و بنابراین می‌توان به مقایسه‌های انجام شده اعتماد کرد.

تعیین اولویت زیرمعیارهای بعد ویژگی های زمینه ای

محاسبات انجام شده برای تعیین اولویت زیرمعیارهای بعد ویژگی های زمینه ای در جدول شماره ۸ ارائه شده است.

جدول شماره ۸. تعیین اولویت زیرمعیارهای بعد ویژگی های زمینه ای

ردار ویژه	میانگین هندسی	S34	S33	S32	S31	
۰.۳۴۰	۱.۳۹۷	۱.۰۳۹	۰.۹۲۸	۳.۹۴۹	۱	S31
۰.۱۹۹	۰.۸۱۷	۰.۵۲۷	۳.۳۴۶	۱	۰.۲۵۳	S32
۰.۱۹۵	۰.۸۰۱	۱.۲۷۷	۱	۰.۲۹۹	۱.۰۷۸	S33
۰.۲۶۶	۱.۰۹۴	۱	۰.۷۸۳	۱.۸۹۹	۰.۹۶۳	S34

براساس بردار ویژه بدست آمده زیرمعیار درک ارزش مهارت و جایگاه آموزش فنی و حرفه ای با وزن $0/340$ از اولویت بیشتری نسبت به سایر زیرمعیارها برخوردار بوده است. نرخ ناسازگاری مقایسه های انجام شده $0/039$ بدست آمده است که کوچک تر از $0/1$ بوده است و بنابراین می توان به مقایسه های انجام شده اعتماد کرد.

تعیین اولویت زیرمعیارهای شرایط محیطی

محاسبات انجام شده برای تعیین اولویت زیرمعیارهای شرایط محیطی در جدول شماره ۹ ارائه شده است.

جدول شماره ۹. تعیین اولویت زیرمعیارهای شرایط محیطی

ردار ویژه	میانگین هندسی	S44	S43	S42	S41	
۰.۳۱۳	۱.۲۶۸	۰.۷۹۴	۱.۳۹۹	۲.۳۲۸	۱	S41
۰.۲۲۴	۰.۹۰۶	۱.۰۰۶	۱.۵۵۷	۱	۰.۴۳۰	S42
۰.۲۵۶	۱.۰۳۵	۲.۵۰۰	۱	۰.۶۴۲	۰.۷۱۵	S43
۰.۲۰۸	۰.۸۴۱	۱	۰.۴۰۰	۰.۹۹۴	۱.۲۶۰	S44

براساس بردار ویژه بدست آمده بیشترین اولویت مربوط به زیرمعیار محیط فرهنگی-اجتماعی با وزن نرمال شده $0/313$ بوده است. نرخ ناسازگاری مقایسه های انجام شده $0/057$ بدست آمده است که کوچک تر از $0/1$ بوده است و بنابراین می توان به مقایسه های انجام شده اعتماد کرد.

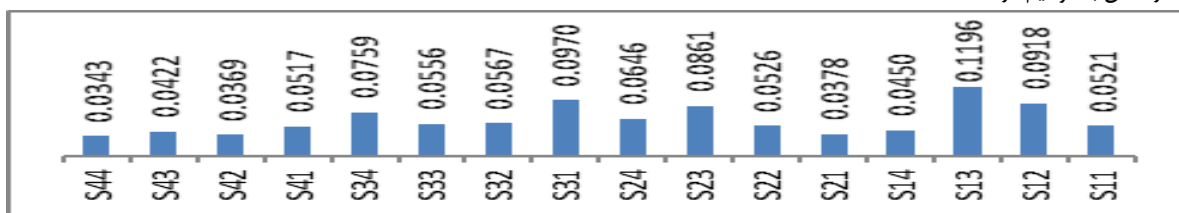
تعیین وزن نهایی عناصر با تکنیک AHP

در این گام اولویت نهایی محاسبه شده است. نتایج مقایسه زیرمعیارهای تحقیق و اوزان مربوط به آنها ماتریس $W2$ را تشکیل داده است. برای تعیین اولویت نهایی شاخص های با تکنیک AHP کافی است وزن شاخص ها براساس هر معیار ($W2$) در وزن معیارهای اصلی ($W1$) ضرب شود. با در دست داشتن وزن هر یک از معیارهای اصلی ($W1$) و زیرمعیارها ($W2$) وزن هر یک از شاخص ها محاسبه می شود نتایج محاسبه انجام شده و اوزان مربوط به شاخص های در جدول شماره ۱۰ ارائه شده است.

جدول شماره ۱۰. تعیین اولویت نهایی شاخص ها با تکنیک AHP

وزن اولیه	رتبه	وزن نهایی	زیرمعیارها	وزن	معیارها
۱۰	۰.۰۵۲۱	۰.۱۶۹	S11	۰.۳۰۹	هم راستایی آموزش ها
۳	۰.۰۹۱۸	۰.۲۹۸	S12		
۱	۰.۱۱۹۶	۰.۳۸۸	S13		
۱۲	۰.۰۴۵۰	۰.۱۴۶	S14		
۱۴	۰.۰۳۷۸	۰.۱۵۷	S21	۰.۲۴۱	راهبردها
۹	۰.۰۵۲۶	۰.۲۱۸	S22		
۴	۰.۰۸۶۱	۰.۳۵۷	S23		
۶	۰.۰۶۴۶	۰.۲۶۸	S24		
۲	۰.۰۹۷۰	۰.۳۴۰	S31	۰.۲۸۵	ویژگی های زمینه ای
۷	۰.۰۵۶۷	۰.۱۹۹	S32		
۸	۰.۰۵۵۶	۰.۱۹۵	S33		
۵	۰.۰۷۵۹	۰.۲۶۶	S34		
۱۱	۰.۰۵۱۷	۰.۳۱۳	S41	۰.۱۶۵	شرایط محیطی
۱۵	۰.۰۳۶۹	۰.۲۲۴	S42		
۱۳	۰.۰۴۲۲	۰.۲۵۶	S43		
۱۶	۰.۰۳۴۳	۰.۲۰۸	S44		

بر اساس محاسبات صورت گرفته و سوپرماتریس حد، تعیین اولویت نهائی معیارها مقدور است. اولویت نهائی معیارهای اصلی با اقتباس از سوپرماتریس حد در شکل به ترسیم درآمده است.



شکل ۳. اولویت نهائی معیارها با تکنیک AHP

بنابراین بر نتایج تجزیه و تحلیل ها، شاخص توسعه متوازن آموزش های فنی و حرفه ای با وزن نرمال ۰/۱۱۹ از بیشترین اهمیت در میان تمامی شاخص های موجود برخوردار بوده است. شاخص درک ارزش مهارت و جایگاه آموزش فنی و حرفه ای با وزن ۰/۰۹۷ از اولویت دوم برخوردار بوده است و توجه به نیازهای بازار کار با وزن ۰/۰۹۱ در اولویت سوم قرار گرفته است.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس تجزیه و تحلیل ها، نتایج نشان داده است نیازهای آموزشی بازار کار نسبت به فارغ التحصیلان رشته های دایر در آموزش فنی و حرفه ای استان قم عبارتند از: بیشترین اولویت مربوط به معیار هم راستایی آموزش ها و سپس، معیارهای ویژگی های زمینه ای و راهبردها در رتبه های بعدی و کمترین اولویت مربوط به معیار شرایط محیطی بوده است. یافته های این پژوهش با نتایج تحقیق قدیریان (۱۳۹۸)، شاکری و همکاران (۱۳۹۸)، مصطفوی (۱۳۹۷) همخوانی دارد. بر اساس یافته های این پژوهش اولویت های آموزشی بازار کار رشته های دایر در آموزش فنی و حرفه ای استان قم شامل موارد زیر می باشد:

اولویت اول: معیار هم راستایی آموزش ها است که زیرمعیارهای آن عبارتند از: توجه به استانداردهای کمی و کیفی آموزش، توجه به نیازهای بازار کار، توسعه متوازن آموزش های فنی و حرفه ای و بهره گیری از شیوه ها و امکانات مناسب آموزشی. در تحقیق حاضر، هم راستایی آموزش ها مقوله ای است که همه عوامل و تأثیرات در جهت توصیف آن حرکت می کنند. این مقوله عبارت از درجه ای است که، این آموزش ها را متناسب با نیازهای بازار کار می دانند. هم راستایی آموزش ها شامل هم راستایی با وضعیت اشتغال، برنامه های اقتصادی و توسعه صنعتی، پیشرفت تکنولوژی، و نیازهای سنی است. از آنجا که سرمایه انسانی مورد نیاز بخش های مختلف نظام اجتماعی زمانی فراهم می شود که نوعی تطابق بین نیازها و آموزش ها وجود داشته باشد. بنابراین، خلق شرایطی که بتواند آموزش های هم راستا با نیازهای ذی نفعان را ارائه کند، قطعاً پاسخگویی به نیازهای بازار کار را افزایش خواهد داد. توجه به استانداردهای کمی و کیفی آموزش های فنی و حرفه ای یکی از مهم ترین مقوله هایی است که به طور مستقیم تناسب آموزش های فنی و حرفه ای با نیازهای بازار کار را در پی دارد و بی توجهی به آن، دست یابی به هدف متناسب سازی آموزش ها با نیازهای بازار کار را ناممکن می سازد. توجه به نیازهای بازار کار در سیاست گذاری و برنامه ریزی آموزش های فنی و حرفه ای، به طور مستقیم و بی واسطه آموزش ها را با نیازهای بازار کار متناسب می کند. سیاست گذاری توسعه آموزش فنی و حرفه ای باید به نحوی صورت گیرد که تمامی مناطق بتوانند از مزایای آنها بهره مند شوند و بخش هایی از جامعه مجبور نباشند برای دست یابی به این آموزش ها، هزینه های مازاد بپردازند. توجه به بودجه های تحقیقاتی و تجهیز آزمایشگاه ها و مراکز علمی و پژوهشی به امکانات به روز و کافی می تواند زمینه ساز حضور بانشاط و مؤثر پژوهشگران در برآورده کردن انتظارات ذی نفعان از مراکز آموزشی باشد.

اولویت دوم: معیار ویژگی های زمینه ای است که زیرمعیارهای آن عبارتند از: درک ارزش مهارت و جایگاه آموزش فنی و حرفه ای، مالیه آموزش فنی و حرفه ای، ساختار سازمان فنی و حرفه ای، پایگاه اطلاعاتی به روز و نظام منسجم مهارتی. آموزش های فنی و حرفه ای از بستری متاثر است که در آن راهبردها به تناسب این آموزش ها با نیازهای بازار کار شکل می گیرند و در نهایت هم اثرات آنها در راهبردها و پیامدها ظاهر خواهند شد. یکی از مهم ترین بستری که راهبردهای متناسب میان آموزش های فنی و حرفه ای و نیازهای بازار کار می توانند در آن تحقق پیدا کنند، درک ارزش مهارت و جایگاه آموزش فنی و حرفه ای است. ساختار سازمان فنی و حرفه ای باید به گونه ای باشد که دو کار مهم انجام دهد. این ساختار باید در مورد مسئولیت ها چارچوبی ارائه دهد. هم چنین، باید بتواند بین ارکان اصلی سازمان ارتباط برقرار کند و سازمان را به صورت مجموعه ای منسجم و واحد درآورد که همه فعالیت های درون آن هماهنگ باشند. امروزه بدون داشتن یک پایگاه اطلاعاتی به روز و نظام منسجم مهارتی نمی توان سیاست ها و برنامه های کارآمدی را برای آموزش های فنی و حرفه ای تدارک دید.

اولویت سوم: معیار راهبردها است که زیرمعیارهای آن عبارتند از: نیازسنجی، مشارکت ذی نفعان، آشنایی کارآموزان با بازار کار، آینده پژوهی شغلی. مطابق نظر استراوس و کربین، راهبردها، اعمال، تعاملات و کنش هایی هستند که افراد در عمل عادی و مدیریت موقعیت ها در هنگام مواجهه با مسائل به کار می برد؛ رفتارهایی که مردم سازمان ها و جوامع انجام می دهند. نیازسنجی دقیق و مداوم می تواند نیازهای جامعه به نیروی انسانی مورد نیاز را در همه بخش ها تأمین کند. استفاده از مشارکت ذی نفعان در تهیه راهبردها بسیار مؤثر است. تصدیقی (۱۳۸۱) مشارکت را فرایندی می داند که افراد در گروه های تعامل، با ارتباط اثربخشی تلاش می کنند با به میدان آوردن توانایی های ذهنی و روحی خود، برای مسئله یا هدف

خود راه حل یا راهبردهای مناسب پیدا کنند. در این مقوله، مصاحبه شوندگان بر مشارکت ذی نفعان به دلیل نقش مؤثر آنها در رویارویی و مواجهه مؤثر با چالش ها تأکید داشته اند. در محیط متغیر امروزی، بسیاری از مشاغل، در برهه زمانی کوتاهی امکان زیست خود را از دست می دهند و مشاغل جدیدی جایگزین آنها می شوند. آشنایی کارآموزان با بازارکار از مهمترین راهبردهایی است که می توان برای دست یابی به هدف متناسب سازی آموزش ها با نیازهای بازارکار از آن بهره گرفت.

اولویت چهارم: معیار شرایط محیطی است که زیرمعیارهای آن عبارتند از: محیط فرهنگی-اجتماعی، محیط فناوری، محیط اقتصادی، محیط کلان سیاست گذاری. علاوه بر شرایطی که به طور مستقیم هم راستایی آموزش ها را متأثر می سازند، شرایط محیطی نیز با این شرایط مرتبط هستند و تداوم یا عدم تداوم هم راستایی آموزش را موجب می شوند. موجبات علی پدیده تناسب آموزش های فنی و حرفه ای، نه در خلا، بلکه در شرایط محیطی شکل می گیرند. در نتیجه، توضیح فرایند تناسب آموزش های فنی و حرفه ای، به فهم شرایط محیطی نیاز دارد. فرهنگ مهم ترین سطح شرایط محیطی را تشکیل می دهد. در محیطی که به طور مداوم فناوری های جدید، به بازار عرضه می شوند، این ضرورت احساس می شود که به منظور همگام شدن با تکنولوژی های جدید ناچار به آموزش افرادی هستیم که می خواهند از این فناوری ها بهره مند شوند. در اقتصاد توسعه یافته صنعت رشد خواهد یافت. در نتیجه، مشاغل صنعتی افزایش می یابند و به دنبال آن بازارکار نیروی انسانی این بخش افزایش خواهد یافت. در همین راستا سیاست گذاری آموزشی دولت ها یکی از نخستین فعالیت های سیاست گذاری در حیطه اداره امور عمومی است، زیرا مبدأ جامعه پذیری و تحرک افراد جامعه به سوی دیگر سیاست ها به شمار می رود.

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می شود: آموزش های فنی و حرفه ای بر اساس نیازسنجی دقیق و مداوم طراحی و اداره شوند. تمامی ذی نفعان در طراحی و اجرای سیاست ها مشارکت داشته باشند. تعاملات و همکاری های داخلی و بین المللی با تمامی سازمان ها و افرادی که می توانند به ایجاد تناسب آموزش ها با نیازهای بازارکار کمک کنند، در دستور کار قرار گیرد. آینده پژوهی شغلی مبنای سیاست گذاری حوزه آموزش فنی و حرفه ای قرار گیرد و به طور مستمر پیگیری شود. سیاست های توسعه آموزش فنی و حرفه ای بر مبنای آمایش سرزمینی طراحی شوند و توازن توسعه این آموزش ها در تمام نقاط کشور در دستور کار قرار گیرد. برنامه های متنوعی برای آشنایی کارآموزان با بازارهای کار طراحی شود تا بتوان پیوند مناسبی میان این آموزش ها با نیازهای بازار کار به وجود آورد. برای رفع کمبودهای آموزش های فنی و حرفه ای، منابع مالی مشخص تأمین شوند و تخصیص یابند. مشاوره و هدایت شغلی صحیح جزو جدایی ناپذیر آموزش های فنی و حرفه ای تعریف شود.

منابع

- اصغرزاد، کریم. رنج دوست، شهرام، عظیمی، محمد. (۱۳۹۹). تبیین مؤلفه های تربیت حرفه ای مبتنی بر شایستگی و تحلیل جایگاه آن در کتاب های درسی مربوط به شایستگی های غیرفنی دوره دوم متوسطه فنی و حرفه ای و کار دانش. نوآوری های آموزشی، ۱۹ (۱): ۳۱-۴۶.
- باقری، محمد. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی آموزش های رسمی بر نرخ اشتغال مطالعه موردی آموزش های هنرستانی در آموزش و پرورش ناحیه ۳ تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد، پردیس دانشگاهی. دانشگاه صنعتی ارومیه، دانشکده مهندسی صنایع گروه سیستم های اقتصادی اجتماعی.
- برزگر، محمود، علی عسگری، مجید، نویدی، احد، عطاران، محمد. (۱۳۹۷). ارزشیابی کارایی بیرونی برنامه های درسی رشته های منتخب شاخه های فنی و حرفه ای و کار دانش: وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان پسر. نوآوری های آموزشی، ۱۷ (۱): ۱۶۹-۱۵۱.
- خنیفر، حسین. بهمینار، بیتا. مسلمی، ناهید. (۱۳۹۰). راهنمای تدوین آموزش محور، تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور.
- شاکری، محسن. برزگر بفرولی، کاظم. جمشیدی، محمد علی. (۱۳۹۸). ارائه الگوی تناسب آموزش های فنی و حرفه ای با نیازهای بازارکار از دیدگاه صاحبان صنایع شهر یزد بر اساس نظریه داده بنیاد. نوآوری های آموزشی، ۱۸ (۳): ۵۸-۳۹.
- غفاری، ابوالفضل، آهنگچیان، محمد رضا، خلاق، علی اصغر، نادری، مهدی. (۱۳۹۷). سیر تحول فلسفه تربیت حرفه ای در نظام آموزشی ایران. فناوری آموزش ۱۲ (۴): ۲۸۸-۲۶۹.
- قدیریان، فائزه. (۱۳۹۸). بررسی محتوای آموزشی فنی و حرفه ای با امکان سنجی نیاز های بازار کار (مورد مطالعه: هنرستان پسرانه غیر دولتی پسرانه امل). پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی امل، دانشکده علوم انسانی.
- کاظمی، مهرداد. شائمی برزکی، علی. حسامی، منصور. (۱۳۹۹). مطالعه کیفی شرایط، زمینه ها و پیامدهای کارآفرینی در صنایع دستی شهر اصفهان برای دانش آموزان: (ارائه یک نظریه مبنایی). نوآوری های آموزشی، ۱۹ (۳): ۱۶۶-۱۴۹.
- کاووسی، طهماسب. (۱۳۸۷). رابطه آموزش کار دانش و فنی و حرفه ای با اشتغال در استان آذربایجان شرقی. فصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، دوره ۱، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۷، ص ۸۳-۹۳.

مصطفوی، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر آموزش های فنی حرفه ای بر مهارت های جهانی. کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی سبز، دانشکده علوم انسانی.

Anderson, A. (2018). A View on the Most Change in Vocational and Technical Education in England for a Generation, *Higher Education, Skills and Work-Based Learning*, 8 (2), 113-116.

Blinova, Bylina, S. & Rusanovskiy, V. (2015). Vocational Education in the System of Determinants of Reducing Youth Unemployment: Interregional Comparisons. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 214, 526 – 534.

Bottoms, Gene(2006).Using industry-recognized Skill standard assessment for improving carrier, technical education, available from gene Bottoms strd.Org.

Choi,S, G, Seoung,J, Kim, N. (2019). Impact of vocational education and training on adult skills and employment: An applied multilevel analysis. *International Journal of Educational Development*.

Dahil, Lütfiye, Abdurrahman Karabulut, and İbrahim Mutlu.(2015). "Reasons and Results of Nonapplicability of Education Technology in Vocational and Technical Schools in Turkey." *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 1.5 (2216): .11-.1.

Deutscher, V. & Winther, E (2018). Instructional sensitivity in vocational education. *Learning and Instruction*,53, 21-33.

Forster, A. G., Bol, T. (2018). Vocational education and employment over the life course using a new measure of occupational specificity. *Social Science Research*, 70, 176-197.

Korber, M, Oesch,D. (2019). Vocational versus general education: Employment and earnings over the life course in Switzerland. *Advances in Life Course Research* Volume 40, June 2019, Pages 1-13.

Natalia, Chistyakova, et al.(2015). "Problems of educational processes development and labor market needs analysis in Russia." *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 155 (2216): 328-315.

نحوه استناد به مقاله:

عطارنیا؛ احمد، عباسی؛ حمیده، علی محمدی؛ رقیه. (۱۴۰۰). ارزیابی نیازهای آموزشی بازار کار نسبت به فارغ التحصیلان رشته های دایر در آموزش فنی و حرفه ای استان قم. مجله توانمندسازی سرمایه انسانی، ۴ (۱)، ۴۳-۵۳

http://jhce.iaurasht.ac.ir/article_۶۸۳۲۴۱.html